

الگویابی دانشگاه اخلاق مدار مبتنی بر تمدن‌سازی نوین اسلامی در گام دوم انقلاب

اسلامی

محسن عابدی درجه^۱

چکیده

در این پژوهش بر اساس راهبردها و توصیه‌های امام خامنه‌ای در زمینه‌ی علم و پژوهش و اخلاق و معنویت در گام دوم انقلاب به الگویابی دانشگاه اخلاق مدار پرداخته شده است. ضرورت چنین پژوهشی معطوف به نقش علم و فناوری و جایگاه آن یعنی دانشگاه در پیشبرد اهداف کشور در جهت ایجاد جامعه و کشور اسلامی به‌عنوان مرحله‌ی چهارم و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در مرحله‌ی پنجم انقلاب اسلامی و در گام دوم انقلاب به‌منظور رسیدن به ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است. در این بین، با تحلیل محتوای بیانات ایشان و تجزیه و تحلیل مباحث، مؤلفه‌های مدنظر مورد بحث و مذاقه نظر قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که بر اساس وقایع تاریخی و واقعیت‌های جهان کنونی الگوهای دانشگاهی غربی نتوانسته نیازهای مادی و معنوی بشریت را برآورده کند. به همین دلیل الگویابی دانشگاه اخلاق مداری که بتواند کمال مادی انسان‌ها و سعادت اخروی آن‌ها را رقم بزند، از اهمیت بسزایی برخوردار بود.

کلیدواژه‌ها: علم، اخلاق و معنویت، دانشگاه اخلاق مدار، گام دوم انقلاب، تمدن نوین اسلامی

۱ نویسنده مسئول: دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران،

ایمانامه: abedi.mohsen.dor@ut.ac.ir.

مقدمه

در راه پیشرفت هر جامعه و حکومتی علم، فناوری، دانش، آموزش، پژوهش و بااهمیت‌تر از آن‌ها تربیت، تزکیه و تهذیب نفس از مهم‌ترین و محوری‌ترین مقوله‌های رایج در امر حکمرانی مطلوب و متعالی در اسلام است. اهمیت موضوع علم و پژوهش تا جایی است که دیگر ابعاد حکومت‌ها را نیز از خود متأثر می‌نماید. حوزه‌های سیاست، فرهنگ، اقتصاد، اجتماع، امنیت و ... هر یک به نحوی مستقیم یا غیرمستقیم از مباحث علم و فناوری تأثیرپذیرند. دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی نیز به‌عنوان عرصه‌ی کسب این مهارت‌ها، زمینه و فضای اصلی و جایگاه اساسی در کسب و نهادینه کردن آن در افراد و جوامع می‌باشند. لذا، اگر دانشگاه به لحاظ فیزیکی و معنوی نتواند فضای مناسبی را برای تعلیم و تعلم دانش‌پژوهان فراهم نماید، قطعاً نمی‌تواند نیروی انسانی سالم و متعالی را برای پیشبرد اهداف جامعه‌ی متعالی مدنظر خود تولید و بازتولید نماید. بر همین اساس، اخلاق و معنویت از مهم‌ترین شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر پیشرفت در عرصه‌های گوناگون در دانشگاه و مراکز علمی و پژوهشی محسوب خواهد شد. بر پایه‌ی مباحث مطرح‌شده می‌توان گفت از آنجایی که هر کشوری دانشگاه‌های دولتی، غیرانتفاعی، نظامی، کاربردی، دینی و غیره دارد، لذا می‌تواند در شئون مختلف یک جامعه تأثیرگذار باشد. دانشگاه‌ها در زمینه‌ها و رشته‌هایی نظیر علوم انسانی، علوم مهندسی، علوم طبیعی، علوم پزشکی، امور نظامی، انتظامی و امنیتی، علوم قضائی و غیره به تربیت و تعلیم دانشجو در مقاطع مختلف تحصیلی می‌پردازند و پس از طی سنوات و مراحل مختلف همین دانشجویان به‌عنوان نیروی کار وارد کارزار بازار، صنعت، درمان، کشاورزی، تولید و خدمات می‌شوند و در صورت کسب صحیح تربیت دینی و علوم لازم خواهند توانست مسائل و مشکلات جامعه را حل و یا با تولید علم و ثروت مقدمات پیشرفت جوامع را فراهم نمایند (عابدی‌درچه، ۱۳۹۸ الف، ۱۵). به‌عبارت‌دیگر، دانشگاه‌ها، دانشجویان و اساتید و نخبگان، موتورهای محرک و پیشران جامعه هستند. این موتورها با دو سوخت به‌صورت ترکیبی کار می‌کنند؛ سوخت پرورش که متأثر از اخلاق و معنویت است و سوخت آموزش که ناشی از فراگیری تخصص‌های مختلف دانشگاهی است. همچنین ذکر این نکته ضروری است که سوخت پرورشی بر آموزشی تقدم دارد، زیرا تا زمانی که ظرفی تمیز و پاکیزه برای نگهداری و استفاده منبع بالارزشی نداشته باشیم، بهره‌برداری صحیح، درست و منطقی از آن نخواهیم داشت. حال مسئله‌ی این تحقیق این است که اساساً علم چه نقشی در پیشرفت افراد و جوامع دارد؟ چه نوع دانشگاه یا مرکز علمی می‌تواند باعث پیشرفت و حرکت روبه‌جلوی جامعه شود؟ آیا تنها کسب علم کافی است؟ یا تربیت نیز ضروری است؟ و یا اینکه تربیت مقدم بر تعلیم

است یا تعلیم مقدم بر تربیت؟ این سؤالات یک رشته‌ی به‌هم‌پیوسته است که با بررسی همه‌ی آن‌ها باهم می‌توان سؤال تحقیق که الگویابی دانشگاه اخلاق مدار در گام دوم انقلاب است را تبیین نمود.

الگویابی اسلامی - ایرانی

الگو، به معنی سرمشق، مُقتدی، اُسوه، قدوه، مثال و نمونه است (دهخدا، ۱۳۸۸، ۲۵۵). الگو، معادل کلمه‌ی مدل (Model) در زبان انگلیسی است. الگو یک مدل، یک الگو، طرح، معرفی (به‌ویژه کوتاه)، یا تشریح است که برای نشان دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته شده است (میرمعزی، ۱۳۸۹، ۶۳). درواقع الگو را می‌توان مجموعه‌ای از قواعد، دکترین، سرمشق‌ها، راهبردهای کلی، نمونه‌ها، مدل‌ها، رویه‌ها و مواردی شبیه به این دانست که پیش‌نیاز انجام فعالیت‌های جزئی و کلی و برای کارهایی که قرار است با برنامه‌ریزی و در مسیر درست و بهینه حرکت کند و بخواهد به اهداف پیش‌بینی‌شده دست یابد، تعریف کرد (مختاریان‌پور، ۱۳۹۵، ۱۲). مقام معظم رهبری نیز الگو را این‌چنین تعریف می‌کند: "الگو یک وسیله و معیار و میزانی است برای این‌که آن کاری که انسان می‌خواهد انجام دهد با آن الگو تطبیق داده شود" (وکیلی، ۱۳۹۲، ۱۱۲۵-۱۱۳۶). از طرفی دیگر الگو را می‌توان تصویری کلان و جامع از یک نمونه ایده‌آل، البته قابل دست یافتن (جامعه‌ی مطلوب) دانست. الگو باید حاوی مبانی، اهداف، راهبردها، خط‌مشی‌ها و خطوط درشت و نقشه راه باشد (مصباحی‌مقدم، ۱۳۸۹، ۲۲۱). درواقع منظور از الگویابی، تفکر و تدبیر در منابع به همراه جستجو، کشف و یافتن الگو، سرمشق، روش، شیوه و رویه‌ای است که با مبنا قرار دادن آن بتوان آینده‌ی یک اقدام را از قبل ترسیم نمود و راهبردی تبیین و تشریح کرد تا با برنامه‌ریزی دقیق و صحیح عوامل اجرایی و نظارتی بتوانند بر مبنای اصول و قواعد اساسی این الگو خط‌مشی موردنظر را به‌درستی پیمایش کنند تا در مسیر نیل به اهداف و آرمان‌های الگو انحرافی صورت نگیرد. به‌عبارت‌دیگر، الگو یک نقشه‌ی راه است که بایستی با غور در منابع و مآخذ مورد وثوق هر مکتبی، توسط خبرگان و اهل فن، مورد اکتشاف و استخراج قرار گیرد تا الگویابی یافت شود، این فرآیند را الگویابی گویند. اگر الگویابی قید اسلامی و ایرانی را داشته باشد، شروط لازم و کافی آن وجود ویژگی‌ها و مشخصاتی است که از منظر اسلامیت و ایرانیت به آن اضافه شده باشد. لذا بخش مبانی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شامل شش زیربخش مبانی خداشناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی و دین‌شناختی است. این الگو در زیربخش مبانی خداشناختی اساس و محور حیات فردی و اجتماعی مؤمنان را

محور قرار دادن خداوند و توحید بیان می‌نماید و از صفات او یکتایی، رحمانیت، رحیمیت، علیم و حکیم و غنی و ربّ و هادی و شارع و مالک و حاکم و عادل و واسع و ولی و حامی بودن است. همچنین در زیربخش جهان‌شناختی اعتقاد به غیب و شهود، مراتب روحانی و مادی، دنیوی و اخروی، نظام علی و معلولی حاکم بر جهان، جهان محل عمل و آزمایش و در خدمت انسان بودن جهان مادی جهت تکامل و تعالی معنوی از آموزه‌های آن است. در زیربخش انسان‌شناختی دستیابی به مقام قرب و خلیفه‌اللهی، ساحات جسمانی و روحانی انسان، ابعاد فطری انسان شامل خداپرستی، دین‌ورزی، کمال‌گرایی، حقیقت‌جویی، خیرخواهی، زیبایی‌گرایی، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی و دیگر ارزش‌های متعالی، کمال و سعادت اختیاری انسان، حیات پس از مرگ، توجه به حقوق انسان و اجتماعی بودن او از آموزه‌هایی است که برای شناخت انسان معرفی شده است. در خصوص زیربخش جامعه‌شناختی، جامعه را به‌عنوان بستر تعامل و مشارکت در جهت تأمین انواع نیازها و شکوفایی استعدادها، ساخت‌یافتگی جامعه مبتنی بر فرهنگ، خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین واحد جامعه، تأثیر سنن الهی و قوانین تکوینی مشترک و فراگیر بر جامعه، حاکمیت سنت‌های الهی در جامعه، تأثیر عوامل فرهنگی، جمعیتی و انسانی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، دانشی و فناورانه در تغییرات اجتماعی، ابتدای جامعه‌ی دینی بر شکل‌گیری مناسبات اجتماعی بر اساس اصول و ارزش‌های دینی، جهت‌گیری تاریخ به‌سوی آینده‌ای پیشرفته در تمام ابعاد مادی و معنوی با حاکمیت ایمان، تقوا و رهبری امام معصوم و پیشرفت حقیقی از مبانی جامعه‌شناختی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. زیربخش مبانی ارزش‌شناختی آن نیز مشتمل بر ریشه‌ی ارزش‌ها در واقعیت و ثابت، مطلق و جهان‌شمول بودن اصول، اصول ارزش‌ها از طریق عقل و فطرت قابل‌شناسایی و تفصیل آن از طریق کتاب و سنت، جریان ارزش‌ها در ساحت‌های ارتباطی انسان با خدا، خود و خلق و خلقت و همچنین ارزش‌ها را موجب پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی قابل تحقق می‌داند. در زیربخش دین‌شناختی، دین کامل، جهان‌شمول و نهایی را اسلام و مبلغان آن را پیامبر خاتم (ص) و اهل‌بیت پیامبر و این‌که دین دستگاهی جامع معرفتی - معیشتی است که از سوی خداوند متعال برای تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی نازل شده، هماهنگی اسلام با نظام هستی و سرشت انسان با نقشی بی‌بدیل در تأمین نیازهای نظری و عملی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، خردورزی و تمسک به دانش بشری و تجارب عقلایی مورد تأکید اسلام است و وحی، مایه‌ی شکوفایی عقل محسوب می‌شود. هر الگویی یک سری از آرمان‌هایی دارد که مبتنی بر مبانی آن الگوست. آرمان‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ارزش‌های بنیادین فرازمانی و فرامکانی جهت‌دهنده پیشرفت است. مبنایی‌ترین این ارزش‌ها، نیل به

خلافت الهی و حیات طیبه است. اهم ارزش‌های تشکیل‌دهنده حیات طیبه عبارت‌اند از: معرفت به حقایق، ایمان به غیب، سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با هموعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، مقابله مقتدرانه با دشمنان، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، تفکر و عقلانیت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، عدالت همه‌جانبه، تعاون، مسئولیت‌پذیری، صداقت، نیل به کفاف، استقلال، امنیت و فراوانی. همچنین این رسالت الگوی حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست‌بوم ایران است (عابدی‌درچه، ۱۳۹۸، ب، ۱۱۸). درباره‌ی الگوی اسلامی- ایرانی؛ مقام معظم رهبری در بیاناتی که در نخستین نشست اندیشه‌ی راهبردی در دهم آذرماه سال ۱۳۸۹ فرمودند: "در خصوص ایرانی بودن الگو؛ شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی در تشکیل این الگو تأثیر می‌گذارد. این نکته هم مطرح است که طراحان آن، متفکران ایرانی هستند؛ این کاملاً وجه مناسبی است برای عنوان ایرانی؛ یعنی ما نمی‌خواهیم این را از دیگران بگیریم؛ ما می‌خواهیم آنچه را که خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت کشورمان می‌دانیم، آینده را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم؛ بنابراین این الگو ایرانی است. از طرف دیگر، اسلامی است. به خاطر این که غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ یعنی تکیه‌ی ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه‌ی اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما به این است که می‌توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم. خوشبختانه منابع اسلامی هم در اختیار ما وجود دارد. قرآن هست، سنت هست و مفاهیم بسیار غنی و ممتازی که در فلسفه‌ی ما و در کلام ما و در فقه ما و در حقوق ما وجود دارد؛ بنابراین اسلامی هم به این مناسبت است. البته این که ما می‌گوییم ایرانی یا اسلامی، مطلقاً به این معنا نیست که ما از دستاوردهای دیگران استفاده نخواهیم کرد. نه ما برای به دست آوردن علم، هیچ محدودیتی برای خودمان قائل نیستیم. هر جایی که علم وجود دارد، معرفت درست وجود دارد، تجربه‌ی صحیح وجود دارد، به سراغ آن خواهیم رفت؛ منتها چشم‌بسته و کورکورانه چیزی را از جایی نخواهیم گرفت. از همه‌ی آنچه در دنیای معرفت وجود دارد و می‌شود از آن استفاده کرد، استفاده خواهیم کرد" (سبحانی، ۱۳۹۷، ۱۲۵-۱۲۶). الگوی پیشرفت همان برنامه‌ریزی بلندمدت برای یک دوره‌ی ۵۰ تا ۱۰۰ ساله است چراکه برنامه‌ریزی عبارت است از یک جریان آگاهانه‌ی انتخاب و تعیین اولویت‌ها به‌منظور تصمیم‌گیری در مورد آوردن آینده به زمان حال تا بتوان با تعیین هدف‌های درست و انتخاب مسیر مناسب و تعیین فعالیت‌های اثربخش جهت تحقق هدف‌های یادشده، کاری برای آن انجام داد. برنامه‌ریزی چیزی نیست جز شناخت دقیق

و صحیح وضع موجود در تعیین فرایند رسیدن به وضع مطلوب که در آن باید تعیین کرد چه فعالیتی و کاری؟ چگونه و با چه روشی؟ از سوی چه کسی یا سازمانی؟ با کمک چه کسانی یا سازمان‌هایی؟ در کجا؟ در چه زمانی؟ با چه هزینه‌ای؟ و با چه وسایل و ابزار و منابعی؟ انجام شود تا از وضع موجود به وضع مطلوب در آینده دست‌یافت (قاضی‌زاده، ۱۳۸۸، ۷)؛ اما راهبرد بلندمدت جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی پیشرفت در عرصه‌های مختلفی است که پیشرفت فکری، علمی، معنوی و اخلاقی و نیز پیشرفت در امنیت، عدالت‌محوری، رفاه عمومی، استقلال و آزادی، عزت ملی و اقتدار ملی، تعاون و همکاری و در یک کلام دستیابی به جایگاه والای حکمرانی متعالی اسلامی مبتنی بر منابع و علوم اسلامی هدف اصلی این الگوی پیشرفت است (عابدی‌درچه، ۱۳۹۸ الف، ۲۰).

تمدن نوین اسلامی

تمدن به معنای کلی عبارت است از مجموعه‌ی ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه‌ی انسانی. وقتی می‌گوییم ساخته‌های انسانی، مقصود آن چیزی است که در طبیعت در حالت عادی وجود ندارد و انسان آن را می‌سازد، بنابراین ساخته‌ی انسانی در برابر ساخته‌ی طبیعت قرار می‌گیرد (شریعتی، ۱۳۸۹، ۵). از نظر هانتینگتون، تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آید (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷). تمدن از نظر لغوی عبارت از شهرنشینی، اخلاق مردم شهرنشین را پذیرفتن، از حالت خشونت و جهل به حالت معرفت و شهرنشینی انتقال یافتن و به‌طور خلاصه روش‌ها و اسباب شهرنشینی را اختیار کردن است (مجیرشیبانی، ۱۳۳۷). در ادبیات فارسی، تمدن به معنای همکاری افراد جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و انس گرفتن با آداب و اخلاق شهریان بکار می‌رود (معین، ۱۳۷۵). علت نیاز بشر به تمدن در طبع خود بشر نهفته است و چون بشر مدنی‌الطبع است، حتماً نیازمند حیات اجتماعی است و این حیات اجتماعی را تمدن می‌گویند. واژه‌ی تمدن و واژه‌ی فرهنگ^۱ واژه‌هایی هستند که عملاً به همدیگر پیچیده‌اند. طاهرزاده به نقل از فردریک بارنارد می‌نویسد در مواردی تکامل روحی یا معنوی انسان را با فرهنگ یکی دانسته‌اند و در مواردی با تمدن. گاهی از فرهنگ به‌عنوان جزء خاصی از تمدن بحث می‌شود و گاهی نیز فرهنگ را لفظی کلی‌تر محسوب کرده‌اند و حال آنکه تمدن به فرهنگ شهرها محدود شده

^۱ Culture

است. در مجموع شاید بتوان این‌طور گفت که فرهنگ همان مبادی فکر است که منشأ حرکات افراد می‌گردد که در بحث ما اسلام به‌عنوان مبادی فکری مورد نظر است و در مورد تمدن از یک‌جهت با اشرینگر هم عقیده هستیم که می‌گوید: "تمدن، ظهور نهایی فرهنگ است" و از یک‌جهت به اصل واژه‌ی مدنیّت^۱ و توجه به شهری و جمعی بودن طبع انسان می‌نگریم (طاهرزاده، ۱۳۸۹، ۲۴). همچنین تاملین معتقد است مقصد تمدن انسانی ایجاد مناسبات انسانی است به این معنا که هرگاه جامعه‌ای شکل گیرد و در آن مناسبات انسانی ایجاد شود و این مناسبات استعداد و قریحه‌ی خدادادی انسان را شکوفا کند، می‌توانیم آن را تمدن بنامیم (تاملین، ۱۳۸۵، ۴۹). ویل دورانت در تعریف تمدن می‌گوید: "تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه‌ی وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. تمدن دارای چهار رکن و عنصر اساسی است که شامل: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر می‌شود" (دورانت، ۱۳۹۰، ۳). شهید مطهری نیز ضمن انتقاد از تمدن غربی که در آن به ارزش‌های حقیقی انسان توجهی نمی‌شود، تمدن حقیقی را مجموعه‌ای برمی‌شمارد که ابتدا کمال و استعداد‌های انسان را تعریف کند و بعد کمال جامعه را که همان کمال انسان است مشخص کند که جامعه در چه نظامی می‌تواند انسان را به نهایت استعداد‌های خودش، به کمال فرهنگی خودش، به کمال معنوی خودش برساند (مطهری، ۱۳۶۹، ۲۴۲). هنری لوکاس، تمدن را پدیده‌ای به هم تنیده می‌داند که همه‌ی رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را در برمی‌گیرد (لوکاس، ۱۳۶۶، ۷-۱۶). تمدن اسلامی یعنی نوعی از زندگی که انسان‌ها بتوانند به تمام ابعاد مادی و معنوی خود به کامل‌ترین شکل جواب دهند (طاهرزاده، ۱۳۸۹، ۳۴). به لحاظ تاریخی نیز تمدن اسلامی به‌عنوان یکی از تمدن‌های بزرگ بشری حاصل مبانی دین اسلام و باور به آن‌ها بوده است (جمشیدی، ۱۳۹۴، ۳۶). شهید مطهری در این باره می‌نویسد: "ملل بسیاری به اسلام گرویدند و در خدمت این دین درآمدند و در راه نشر و بسط تعالیم آن کوشیدند و با تشریک‌مساعی با یکدیگر تمدن عظیم و باشکوه به نام تمدن اسلامی به وجود آوردند" (مطهری، ۱۳۵۷، ۱۳-۱۴). تمدن نوین اسلامی از رهگذر بازخوانی مجدد تمدن اسلامی با توجه به مقتضیات زمان و مکان و بازسازی مفهومی و عملی

^۱ Civilization

نظام اعتقادی اسلام قابلیت آن را دارد که در دوران گذار در نظام بین‌الملل به نقش‌آفرینی در هندسه‌ی جدید قدرت جهانی بپردازد. نظر به این که اسلام نه محدود به مکانی خاص و نه مختص به طبقه‌ای خاص است بلکه متعلق به تمامی بشریت با افقی وسیع است تا برادری انسانی تحقق بخشد، تمدن نوین اسلامی که بر نظام اعتقادی اسلام و آموزه‌های آن برای تحقق وظایف مختلف دینی متناسب با دنیای جهانی شده استوار است، قابلیت آن را دارد که دستورات، سنت‌ها و آیین ناشی از مجموعه اعتقادات اسلامی را فارغ از هرگونه تبعیض نژادی، قومی و زبانی تحقق بخشد. تمدن نوین اسلامی ضمن تحکیم اخوت و برادری همه‌ی گروه‌های قومی و نژادی، این امکان را برای آنان فراهم می‌آورد که با یکدیگر در زمینه‌های مختلف علمی، اجتماعی و فرهنگی همکاری کنند و به توسعه‌ی زندگی فکری و فرهنگی خود در سطح فراملی اقدام نمایند (دهشیری، ۱۳۹۴، ۹۵). تمدن یک واژه‌ی عربی است که از ریشه‌ی مدینه و به معنای شهر و شهرنشینی گرفته شده و به معنای به‌سوی عقل و انسانیت و نظم دادن به امور زندگی و به اخلاق شهری گرائیدن تفسیر شده است (زمانی، ۱۳۴۸). از آنجایی که فلسفه‌ی عملی تقسیم می‌شود به علم اخلاق، علم تدبیر منزل و علم سیاست مُدُن (مطهری، ۱۳۸۳، ۱۲۹) و نیز با توجه به این که واژه‌ی تمدن قربت بسیار زیادی با واژه‌ی مُدُن در مفهوم سیاست مُدُن، یکی از سه زیربخش حکمت عملی دارد. در واقع می‌توان گفت در سیاست مدن، امورات سیاسی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهر و کشور توسط مدیران و سیاستمداران در جهت نیل به پیشرفت همراه با عدالت برنامه‌ریزی و اجرا می‌گردد (عابدی‌درچه، ۱۳۹۸ ب، ۱۲۱). در این تحقیق، از اتفاق دانشگاه اخلاق مدار به‌نوعی از هر سه قسم حکمت و فلسفه‌ی عملی بهره می‌برد. علم اخلاق و معنویت و علم تدبیر منزل که با مباحث پیشرفت در عرصه‌ی زندگی نظیر امنیت، عدالت‌محوری، رفاه عمومی، استقلال و آزادی، عزت ملی و اقتدار ملی، تعاون و همکاری و غیره سروکار دارد و همچنین سیاست مُدُن که مربوط به سیاست حکمرانی و کشورداری می‌شود، هر سه ارتباط تنگاتنگی با موضوع دانشگاه اخلاق مدار در گام دوم انقلاب اسلامی دارند؛ زیرا اگر دانشگاه اصلاح شود، همه‌ی امور کشور اصلاح می‌گردد. در حکمرانی و حکومت‌داری که ملاک و معیار اقدامات و برنامه‌های دانشگاه باشد، در ابتدا می‌بایست پایه و اساس بنیان‌های آن بر شالوده‌ای صحیح و سالم استوار شده باشد، وگرنه این خشت کج تا ثریا به انحراف خواهد رفت (عابدی‌درچه، ۱۳۹۸ الف، ۲۱).

پیشرفت

واژه‌ی پیشرفت بومی و قابل‌فهم است، نه وارداتی و بار معنایی ناسازگار با مبانی و ارزش‌های اسلامی را ندارد. توسعه مفهومی ایستا و پیشرفت مفهومی پویا دارد. توسعه به یک وضعیت مطلوب گفته می‌شود، پیشرفت به حرکت رو به هدف گفته می‌شود (مصباحی‌مقدم، ۱۳۸۹، ۲۲۱-۲۲۲). واژه‌ی پیشرفت معادل واژه‌ی توسعه در ادبیات علمی کلاسیک و مرسوم است. توسعه ترجمه‌ی کلمه‌ی Development است و از ادبیات علمی غرب به عاریت گرفته شده است. در این ادبیات توسعه‌یافتگی و راهبردهای توسعه مبتنی بر دئیسم، شکاکیت یا انکار خداوند، اصالت ماده، اصالت فرد، اصالت تجربه و تفسیر خاصی از سعادت انسان و جامعه، تفسیر و تعیین می‌شود. علت انتخاب واژه‌ی پیشرفت به‌جای توسعه، احتراز از بار بینشی و ارزشی همراه واژه‌ی توسعه است. در تعریفی عام که بر اساس همه‌ی بینش‌ها و منش‌ها درست است، پیشرفت عبارت است از فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب. بر این اساس، الگوی پیشرفت باید مشتمل بر سه امر باشد: ۱- تحلیل وضعیت موجود ۲- تبیین وضعیت مطلوب ۳- راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب. الگوهای پیشرفت، دست‌کم در یکی از این سه با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از دلایل اصلی اختلاف نیز جهان‌بینی حاکم بر این الگوهاست؛ چیزی که از آن با عنوان متاپارادایم الگوهای توسعه یاد می‌شود. در یک نگاه کلان با ردّ عقاید پوزیتیویست‌ها، علوم انسانی سه وظیفه‌ی فوق را بر عهده دارند. علوم انسانی در بخش اثباتی به وظیفه‌ی دوم و در بخش هنجاری یا دستوری به وظیفه‌ی اول و سوم می‌پردازند. علوم انسانی موجود، این سه وظیفه را از طریق تئوری‌هایی انجام می‌دهند که غالباً مبتنی بر جهان‌بینی و ارزش‌های غیراسلامی است (میرمعزی، ۱۳۸۹، ۶۲-۷۰). در واقع، در حکمرانی مطلوب با تشخیص و تجزیه و تحلیل وضعیت موجود و احصاء نیازها، معایب، نواقص و موانع موجود، وضعیتی مطلوب را تبیین و ترسیم می‌نمایند تا به‌عنوان نقشه‌ی راه پیشرفت، ملاک و معیار و میزان قرار گیرد، این معیارها را راهبرد حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب می‌گویند. به‌عبارت‌دیگر، این حرکت یک سیر تکاملی از الگوی حکمرانی مطلوب جهت پیشرفت در یک کشور یا دولت است.

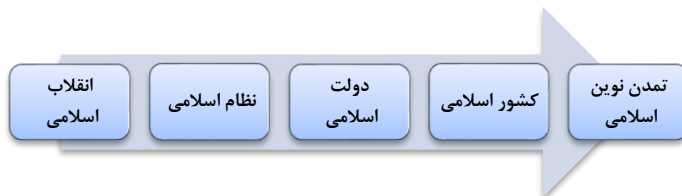


شکل (۱) سیر تکاملی الگوی حکمرانی مطلوب در حوزه‌ی علم و فناوری (منبع: عابدی‌درچه، ۱۳۹۸ ب، ۱۲۳)

از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، توسعه در معنای کلی در چهار زیرمجموعه اشاره دارد که عبارت‌اند از: توسعه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی اقتصادی، توسعه‌ی سیاسی و توسعه‌ی فرهنگی (ازکیا، ۱۳۷۷، ۱۸ - ۲۱). به‌طور کلی، عرصه‌های نظام‌سازی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت عبارت‌اند از: عرصه‌ی اقتصاد، عرصه‌ی سیاست، عرصه‌ی فرهنگ و اجتماع، عرصه‌ی علم و فناوری، عرصه‌ی نظامی و امنیتی و عرصه‌ی محیط‌زیست. البته یک نکته را باید مدنظر قرار داد و آن این است که مقام معظم رهبری تحولات پس از انقلاب اسلامی را در قالب چند مرحله تشریح نموده‌اند. ایشان از منظر آینده‌نگرانه، تشکیل دولت اسلامی را مقدمه‌ای برای تشکیل تمدن اسلامی دانسته‌اند. به اعتقاد ایشان ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد، تشکیل دولت اسلامی است. مرحله‌ی بعد، تشکیل کشور اسلامی است و مرحله‌ی بعد، تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳).

ایشان لازمه‌ی تمدن‌سازی را دستیابی به علم و فن‌آوری دانسته‌اند و بر اهمیت فکر و نیروی انسان تأکید نموده‌اند (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴). بدین ترتیب، می‌توان گفت در اندیشه‌ی ایشان چشم‌انداز پی‌شروی جمهوری اسلامی ایران برای آینده، به دنبال تشکیل تمدن است. این تمدن، بُعدی بین‌المللی دارد که دستیابی به آن، مستلزم طی چهار مرحله‌ی راهبردی یعنی انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی و تشکیل کشور اسلامی است. آنگاه با تشکیل یک کشور که به‌تمام‌معنا اسلامی باشد، این کشور الگویی برای سایر جوامع اسلامی خواهد بود و نظایر آن در دنیا تشکیل می‌گردد و جهان، شاهد تمدن نوین اسلامی خواهد شد. تمدنی که در آن علم، قدرت و ثروت در خدمت رستگاری و تحقق عدالت در جامعه‌ی بشری خواهد بود و در آن علم و معنویت، توأمان خواهند بود. به اعتقاد ایشان، لازمه‌ی تحقق تمدن یادشده، تقوای فردی و جماعت و اُمت و دستیابی مسلمانان به قله‌های علمی در حوزه‌ی جهانی است (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۲، ۲۹ - ۵۹)؛ اما باید گفت که بنا به فرمایشات ایشان ما فقط از دوران انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی گذشته‌ایم و با گذشت چهل سال از انقلاب، هنوز در مرحله‌ی سوم یعنی تشکیل دولت اسلامی

باقی‌مانده‌ایم. شاید یکی از دلایل این عقب‌ماندگی و یا توقف در این مرحله، عدم ابتدای علم و فناوری بر اخلاق باشد، به این معنا که تعلیم از تربیت پیشی گرفته است. علم دانشگاهی و تجربی فاصله‌ی زیادی از اخلاق و معنویت گرفته است. این اختلاف و افتراق میان علم و پژوهش و معنویت و اخلاق می‌تواند ما را از رسیدن به قله‌های رفیع در جهت نیل به آرمان‌های جمهوری اسلامی یعنی گذر از مراحل دولت اسلامی، جامعه‌ی اسلامی و تمدن نوین اسلامی و تحقق ولایت عظمی با مشکل مواجه کند.



شکل ۲) سیر تکاملی مراحل ۵ گانه‌ی تحقق تمدن نوین اسلامی (منبع: عابدی‌درچه، ۱۳۹۸ ب، ۱۲۴)

هدف این تحقیق، دستیابی به الگویی از دانشگاه اخلاقمدار بر اساس آراء، افکار، نظریه‌ها و اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) برای پیشرفت در گام دوم انقلاب اسلامی در جهت تشکیل تمدن نوین انقلاب اسلامی در مرحله‌ی پنجم حکمرانی اسلامی به‌منظور تحقق و ظهور ولایت عظمی و تشکیل حکومت الهی حضرت مهدی (ارواحنا له الفداء) که بر اساس این الگو خطمشی و سیاست‌های کلی حرکت علمی و فناورانه کشور مشخص گردد. فرض تحقیق بر این است که علم نقش مهم در پیشرفت جوامع دارد، البته علمی که مقدمه‌ی آن تربیت و تزکیه‌ی نفس باشد و اخلاق و معنویت به‌عنوان مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی دانشگاه اخلاقمدار در آن جامعه کاربردی حقیقی داشته باشند.

روش‌شناسی

محقق با سیر و جستاری در آراء، نظریه‌ها و اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، با توصیف افکار و بیانات ایشان در زمینه‌ی دانشگاه، علم اخلاق و معنویت مطلوب و متعالی در اسلام، اندیشه‌های ایشان را از منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب‌ها، مقاله‌ها و بیانات ایشان استخراج نموده و به تجزیه و تحلیل آن پرداخته شده است. همچنین تحقیق از حیث نوع، علی‌رغم اینکه به لحاظ الگوییابی بنیادی است اما بر مبنای توصیه‌ها و سفارش‌ها و نیز از این منظر که این شاخص‌ها تا حدودی قبلاً هم در جوامع دانشگاهی به مرحله‌ی اجرا در آمده است، به‌نوعی توسعه‌ای - کاربردی است.

نتایج

دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست‌ساله فراهم کند و باوجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهانی بالاتر است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۲۰-۲۱)، ازاین‌جهت وجود دانشگاه‌هایی که بتواند سبب‌ساز عزت ملی، اقتدار ملی و افزایش قدرت ملی هر کشوری شود، از ضروریات هر جامعه‌ای است اما دانشگاهی که با تکیه بر اصول اساسی اسلام و بنیان‌های معنوی و اخلاقی پایه‌گذاری شده و مسئولین اجرایی آن نیز مقید به اجرای قوانین و مقررات حاکم بر آن باشند. در این حالت، دانشگاهی مبتنی بر پایه‌های علمی با ویژگی‌هایی گرداگرد اخلاق، منشأ تعالی و پیشرفت خواهد شد. به همین دلیل است که یکی از معصومین (ع) در حدیثی می‌فرماید: "العلم سلطان"، علم سلطان و حاکم است، زیرا کسی که صاحب علم نافذ و قوی باشد، بر همه حاکم و چیره خواهد بود.

از سوی دیگر، معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است که بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۲۲). در بیان و تعریف امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) از معنویت و اخلاق به یک نکته‌ی بسیار مهم می‌توان اشاره کرد و آن وجود ارتباط انسان با خدا در معنویت و اصلاح امور خود با خدا در این حوزه است و در اخلاق وجود ارتباط صحیح انسان با خود و با افراد جامعه؛ به معنای دیگر در معنویت انسان باید رابطه‌ی خود و خداوند را ارتقاء ببخشد و در اخلاق به تکامل شناخت و ارتباط با خود و افراد جامعه بپردازد. همان‌گونه که در حدیثی معصوم (ع) می‌فرماید: هر کس رابطه‌ی خود را با خداوند اصلاح نماید، خداوند رابطه‌ی او را با خلق اصلاح می‌کند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد. این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق‌چندانی نخواهد

یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۲۲). همان‌طور که ایشان می‌فرمایند هرچند با دستور و فرمان نمی‌توان اخلاق و معنویت را در جامعه نهادینه کرد، اما از آنجایی که دانشگاه‌ها اماکن تولید و تربیت نیروی محرک جامعه هستند با تدوین و اجرای قوانین مبتنی بر اخلاق و معنویت اسلامی ناب می‌توان زمینه‌های رشد و تعالی جامعه را فراهم کرد. البته افراد غیر برخوردار از سواد دینی و اخلاقی هم ممکن است پیدا بشوند و بگویند دولت‌ها و حکومت‌ها قرار نیست کسی را به‌زور به بهشت ببرند اما قرار هم نیست حکمرانان مردم جامعه را با میل خودشان به جهنم ببرند. جامعه‌ی علمی و دانشگاهی که مدیران ارشد، میانی و اجرایی آن معتقد به تثبیت امور اخلاقی در لایه‌های پنهان و آشکار آن نباشند، مسلماً میلی به تعالی و سعادت و کمال انسان‌ها و جوامع ندارند. ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد؛ و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۲۳-۲۲). فناوری علمی مانند ماهواره‌ها، اینترنت، تلفن‌های همراه و دیگر ابزار به‌عنوان رسانه‌های سخت‌افزاری و شبکه‌های، سایت‌ها و کانال‌ها و فضاهای مجازی به‌عنوان نرم‌افزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر که معمولاً اخلاق و معنویت در آن نمود عینی چشمگیری ندارد، یکی از حوزه‌های اساسی انحرافات اخلاقی و معنوی مردم و به‌طور خاص جوانان و دانشجویان است. در صورتی که فضای دانشگاه و دانشجو به چنین فضایی به لحاظ اخلاقی، اعتقادی، سیاسی، فرهنگی، جنسی و دیگر مؤلفه‌های سبک زندگی منحرف شوند، اصلاح چنین دانشگاه و جامعه‌ای به‌راحتی امکان‌پذیر نخواهد بود. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص عرصه‌ی معنویت به‌عنوان یکی از عرصه‌های پیشرفت می‌فرماید: "باید برای همه روشن شود که معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر، هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه معنویت روح همه‌ی این‌هاست. می‌توان با معنویت قله‌های علم را صاحب

شد و فتح کرد؛ یعنی معنویت هم وجود داشته باشد، علم هم وجود داشته باشد. دنیا در آن صورت دنیایی انسانی خواهد شد که شایسته‌ی زندگی انسان است. دنیای امروز، دنیای جنگلی است. دنیایی که در آن علم همراه باشد با معنویت، تمدن همراه باشد با معنویت، ثروت همراه باشد با معنویت، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود. البته نمونه‌ی کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) اتفاق خواهد افتاد" (سیاهپوش، ۱۳۹۵، ۸۸). عرصه‌های پیشرفت از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارت‌اند از: عرصه‌ی فکر، عرصه‌ی علم، عرصه‌ی زندگی نظیر امنیت، عدالت، رفاه، استقلال، عزت ملی، آزادی، تعاون و حکومت و عرصه‌ی چهارم عرصه‌ی معنویت است که از همه مهم‌تر و روح و نتیجه‌ی همه‌ی این‌هاست (سبحانی، ۱۳۹۷، ۱۲۷). هر چهار عرصه‌ی فکر، علم، زندگی و معنویت، زمینه‌هایی هستند که یک دانشگاه اخلاق مدار می‌تواند در آن نقش اساسی و مهم ایفا کند. همچنین امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بیانیه‌ی بسیار مهم گام دوم انقلاب ضمن معرفی انقلاب پُرشکوه ملت ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید آن را تنها انقلابی می‌داند که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. در ادامه بیانات ایشان در دو بخش به تشریح و تبیین این بیانیه می‌پردازند. در بخش اول برکات بزرگ انقلاب اسلامی نظیر: ۱- ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران ۲- موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی ۳- به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی ۴- ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم ۵- سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور ۶- افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه ۷- ایستادگی روزافزون در برابر قُلدران و زورگویان و مستکبران جهان را بیان نموده و سپس در بخش دوم توصیه‌هایی را برای آرمان بزرگ انقلاب اسلامی یعنی نیل به تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) به‌عنوان مطلوب‌ترین حکمرانی شکل‌گرفته در طول تاریخ بشریت بیان کردند. این توصیه‌ها عبارت‌اند از: ۱- علم و پژوهش ۲- معنویت و اخلاق ۳- اقتصاد ۴- عدالت و مبارزه با فساد ۵- استقلال و آزادی ۶- عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن ۷- سبک زندگی (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۳-۲۹). در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب نیز، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) هم در بخش برکات و هم در بخش توصیه‌ها، به دو مؤلفه‌ی علم، پژوهش و فناوری و نیز معنویت و اخلاق پرداخته است. به‌عبارت‌دیگر، علم و معنویت، پژوهش و اخلاق، فناوری و حُسن خلق، از اموری هستند

که در گام اول انقلاب پیشرفت‌های که در رُخ داده و به‌عنوان برکات بزرگ انقلاب اسلامی از آن یاد شده است و نیز در گام دوم انقلاب هم به دلیل اهمیت بسیار زیاد مجدداً مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این که در توصیه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، علم و پژوهش و معنویت و اخلاق به‌عنوان دو مؤلفه‌ی ابتدایی ذکر شده‌اند خود نشان از درجه‌ی اهمیت و حساسیت آن‌ها در پیشبرد اهداف انقلاب در گام دوم است. در هم تنیدگی این دو مورد تا جایی است که در قرآن کریم که چهار مرتبه به تعلیم و تربیت در کنار یکدیگر پرداخته شده است، در سه مورد یزکیهم و یعلمهم بیان شده و تنها در یک مورد یعلمهم و یزکیهم آمده است. تقدم تزکیه و تهذیب نفس بر تعلیم تأکید خداوند در قرآن و نیز ائمه‌ی اطهار در روایات مختلف بوده است. عالمی که اخلاقی مهذب نشده باشد، چه‌بسا که باعث سرنگونی خود و جوامع مختلف می‌شود اما در حکمرانی متعالی اسلامی ازنجایی که از شرایط اصلی حکمران و ولی فقیه دارا بودن شرط عدالت، فقاقت و درایت و کارآمدی است، عدالت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فضایل اخلاقی و حکمرانی متعالی، ویژگی مهمی است که متخلّق بودن حکمرانان و حکومت‌شوندگان به این فضیلت اخلاقی یکی از موضوعات اساسی برای نهادینه شدن این اصل در جوامع است. از سوی دیگر، شهید مطهری مقومات حکومت را که هر حکومتی به آن‌ها نیازمند است را به شرح زیر بیان می‌کند ۱- دفاع از جامعه در برابر دشمن ۲- حفظ امنیت داخلی ۳- وضع قانون ۴- قضا و دادگستری ۵- ارتباط با واحدهای اجتماعی دیگر (امور خارجه) اما تدریجاً که جامعه‌ها تکامل پیدا کرده، یک سلسله کارهای دیگر را هم حکومت‌ها به عهده گرفته‌اند که قبلاً یا وجود نداشته، چون موضوعش وجود نداشته و یا اگر وجود داشته، ملی بوده و مردم خودشان انجام می‌دادند. این امور مربوط به تأمین نیازها و امکانات اجتماعی است و عبارت‌اند از: ۱- آموزش و پرورش ۲- فرهنگ و هنر ۳- مخابرات ۴- راه ۵- بازرگانی ۶- صنایع ۷- بهداشت ۸- کشاورزی (مطهری، ۱۳۹۶، ۳۸-۴۷). لذا تأمین امکاناتی نظیر آموزش و پرورش و همچنین فرهنگ و هنری که مبتنی بر اخلاق و معنویات باشد از موارد لازم و ضروری است که می‌تواند مقومات هر حکومتی را تقویت نماید. تربیت و آموزش نیروی انسانی متخصص و متعهد تنها در دانشگاهی امکان‌پذیر است که بر اساس اصول اسلامی و در رأس آن اخلاق و معنویت شکل گرفته باشد. در این میان برخی از وظایفی که حکمرانی‌ها دارند، می‌تواند به نهادینه شدن آموزش و پرورش، پژوهش، اخلاق و معنویت در جامعه کمک شایانی کند. برخی از وظایف حکومت و رهبر جامعه‌ی اسلامی از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه عبارت‌اند از: ۱- جمع‌آوری بیت‌المال ۲- تأمین امنیت ظاهری و معنوی جامعه ۳- مبارزه با دشمنان خارجی و اراذل و اوباشی که نظم، امنیت و آسایش عمومی را بر هم می‌زنند ۴- توجه به اموال

عمومی و حفظ و حراست از آن ۵- پرهیز از اسراف و حیف و میل بیت‌المال ۶- احقاق حق ضعیفان از نیرومندان ۷- اقامه‌ی حق و قضاوت عادلانه ۸- توجه به دین و پاسداری از آن در برابر تحریف و تفسیر به رأی و سلیقه‌ی شخصی ۹- اصلاح و اصلاح‌طلبی به معنای مبارزه با شیوه‌های نادرست حاکمیت و ظلم و تعدی نسبت به مردم ۱۰- هم‌خوانی مقررات و قوانین با دستورات الهی؛ ۱۱- خیرخواهی رهبری نظام دینی برای مردم ۱۲- رعایت عدالت ۱۳- آموزش و پرورش فکر و روح جامعه و تربیت انسان‌های والا مقام (سلمانی کیاسری، ۱۳۸۷، ۵۶-۶۱). اجرای تمامی این وظایف با تکیه بر تربیت و آموزش مدیرانی کارآمد و اثربخش، قانون‌دان، متعهد و متبخر در امور حکمرانی، مدیریتی، سیاست‌گذاری و اجرایی ممکن خواهد شد. آموزش و پرورش فکر، روان و روح افراد جامعه و تربیت انسان‌های والا مقام و شریف و دارای مناعت طبع و اخلاق حسنه است که راهگشای مشکلات کشور و تعالی مادی و معنوی جامعه می‌شود اما وجود دانشگاهی عاری از منابع و محتوای اسلامی نمی‌تواند به پیشرفت کشور کمک کند. دانشگاهی که محتوای آن غربی و ترجمه‌ای باشد و گرایش اساتید و دانشجویان آن تنها به سمت کتب و مقالات غربی باشد، نخواهد توانست که کمک شایانی به پیشبرد اهداف گام دوم انقلاب نماید. دانشگاهی که جذب و ورود اساتید و دانشجویان آن بر اساس صلاحیت و شایستگی نباشد، نمی‌تواند تحقق بخش جامعه و کشور اسلامی و نیل به تمدن نوین اسلامی شود. تا زمانی که جذب استعدادها درخشان به نحو شایسته‌ای انجام نشود و روابط بر ضوابط حکم‌فرما باشد، افراد سفارش شده‌ی غیرانقلابی و غیرمتخصص و غیرمتعهد بر انقلابی‌های متخصص و کارآمد ترجیح داده شوند، افراد ناصالح و ناکارآمد وارد دانشگاه‌ها خواهند شد و بسیاری از نخبگان و مغزها از کشور خارج خواهند شد و یا مانند نعمتی معطل و غیرقابل استفاده در گوشه‌ای مشغول فعالیت خواهند شد. دانشگاهی که در آن حقوق اساتید و دانشجویان رعایت نشود، دانشگاهی که در فضای علمی آن در کتاب‌ها، مقاله‌ها و فعالیت‌های پژوهشی که حجم زیاد آن را دانشجو انجام داده و حتی در برخی موارد اساتید زحمت خواندن پژوهش‌ها را به خود نمی‌دهند، قانون رسمی کشور این باشد که اسامی اساتید در بالای اسم دانشجو باشد، از مصادیق اخلاقی نظیر ایثار، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، عدالت‌ورزی و سایر فضایل اخلاقی اشاره شده در ذیل توصیه به معنویت و اخلاق در گام دوم انقلاب فاصله گرفته است؛ زیرا از آنجایی که در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) علم و پژوهش و نیز معنویت و اخلاق را به‌عنوان دو مؤلفه‌ی ابتدایی توصیه‌های خود بیان نموده و به شکل تأکیدی عدالت و مبارزه با فساد را که یکی از مباحث اخلاق و معنویت بوده به‌عنوان مؤلفه‌ی چهارم و سفارش‌های خود تجویز نموده‌اند، نشان از اهمیت این

موضوع داشته که از اتفاق فضای نهادینگی آن در جامعه مراکز علمی و پژوهشی است، زیرا آموزش و پرورش در این مجموعه‌ها شکل می‌گیرد و به جامعه سرازیر می‌شود. همان‌گونه که امام خمینی (ره) نیز فرمودند: "اگر دانشگاه‌ها اصلاح شود، کشور نیز اصلاح می‌شود"؛ بنابراین، اگر عدالت‌ورزی در دانشگاه‌ها استقرار و قوام نیابد، چگونه دانشگاه به‌عنوان موتور محرک و پیشران می‌تواند سبک زندگی اسلامی را به‌عنوان مؤلفه‌ی هفتم گام دوم انقلاب در جامعه شکل دهد. همچنین، استادی که تخصص نداشته و یا متعهد به مبانی دینی نباشد نمی‌تواند دانشجوی خوب و مطلوب گام دوم انقلاب تربیت کند. دانشجوی و استادی که برابر مقررات و قوانین، فرصت لازم را برای آموزش، تربیت و پژوهش اختصاص ندهند، این دانشگاه ظرفیت تربیت نیروی انسانی موردنیاز اهداف انقلاب اسلامی را تأمین نمی‌کند و به‌بیان دیگر ذات نیافته از هستی‌بخش/کی تواند که شود هستی‌بخش. دانشگاهی که قوانین و مقررات آموزشی و پژوهشی آن از صدر تا ذیل مطابق با دستورات الهی، منابع دینی و اسناد بالادستی نظام تدوین و اجرا نگردد، قطعاً از اخلاق و معنویت به دور است. دانشگاهی که مروج فساد و بی‌بندوباری باشد و ورود دانشجو به آن با هر نوع پوشش و حجابی آزاد باشد و با تساهل و تسامح با آلودگی‌های اخلاقی برخورد گردد، به‌یقین نمی‌تواند منشأ خیر اخلاقی و پیشرفت شود. دانشجویی که تمام تلاش و کوشش او به‌جای کسب علم و دانش، امور متفرقه نظیر ارتباط با جنس مخالف، استعمال دخانیات در فضای دانشگاه به‌صورت آزادانه، حزب‌گرایی و جناح‌بازی سیاسی صرف به‌دوراز اخلاق سیاسی و اسلامی باشد، نمی‌تواند بخشی از موتور محرک جامعه شود. از سوی دیگر، در صورتی که دانشگاه‌ها اساتیدی مهذب و اخلاق‌مدار بر مبنای اصول اسلامی جذب نموده و آن‌ها نیز به تربیت و آموزش دانشجویان واجد شرایط اخلاقی بپردازند و در این فضای سالم روحیه‌ی ذکر، دعا، نماز، ایثار، جهاد، معنویت‌افزایی، دین‌مداری، ولایت‌پذیری، احترام به حقوق افراد جامعه نظیر استاد، والدین و غیره شکل گرفته و نهادینه شود، مسلماً خروجی چنین دانشگاهی تربیت نیروی انسانی متخصص، کارآمد، اثربخش، متعهد به بنیان‌های دینی و اخلاقی و سرشار از معنویت خواهد بود که معادلات زندگی خود و آینده‌ی جامعه را تنها با اصالت بخشیدن به سود و فایده‌ی شخصی بررسی نکرده و کسب اقتدار، عزت و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی را در صدر اهداف خود ترسیم خواهد نمود. دانشگاه‌ها به‌عنوان موتورهای پیشران کشور در عرصه‌های علم، فناوری، صنعت، کشاورزی، اقتصاد، سیاست، فرهنگ، امور نظامی و امنیتی، مهندسی و عمرانی و دیگر شئون حکمرانی می‌تواند باعث توسعه شود اما این توسعه در صورتی که با عدالت و اخلاق و معنویت عجین نگردد، باعث پیشرفت در گام دوم انقلاب نخواهد شد.

نتیجه‌گیری

در دنیای کنونی و در گذر از مکتب خسته و ناتوان دموکراسی که نتوانسته نیازهای مادی و معنوی ابناء بشر را تأمین کند، معرفی یک ایدئولوژی و مکتب سیاسی با عنوان اندیشه‌ی سیاسی اسلام در پایان قرن بیستم میلادی و کسب موفقیت‌های عظیم تنها در چهل سال، نه تنها تمامی جغرافیای جمهوری اسلامی ایران را از برکات خود متأثر نموده، بلکه توانسته با قدرت و نفوذ ژئوپلیتیکی سیاسی و اعتقادی خود فضاهای جغرافیایی دیگری را نیز فتح کرده و به جرگه‌ی دین اسلام متصل نماید. این پیوند مبارک و موفقیت بزرگ مدیون پیشرفت علمی کشور به همراه اخلاق و معنویت است که به صورت نسبی در جوامع دانشگاهی و علمی ما حکم فرما شده است. ذکر این نکته ضروری است که اگر جامعه و دانشگاه ما به طور کامل با معنویت الهی و اخلاق حسنه ممزوج گردد، سرعت حرکت و شدت نفوذ و تأثیر آن در جامعه‌ی خودی و دیگر جوامع به قدری افزایش پیدا خواهد کرد تا چشم تمامی اندیشمندان را به خود دوخته و آنان را متحیر خواهد ساخت. برخلاف برخی مدیران و مسئولین که نه خود متخلّق به اخلاق حسنه و ویژگی‌های معنوی هستند و نیز اعتقادی به حُسن خُلق افراد و جامعه ندارند، در صورتی که برابر فرمایشات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با تلاش و مجاهدت جهادی پا در عرصه‌ی حفظ و گسترش اخلاق و معنویت در محافل علمی و دانشگاهی می‌نهادند، رشد و شتاب علمی کشور در جهت ایجاد جامعه و کشور اسلامی به عنوان مرحله‌ی چهارم و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در مرحله‌ی پنجم انقلاب اسلامی در گام دوم انقلاب، مسیر برای نیل و دستیابی به ولایت عظمی (ارواخنا فداه) نیز کوتاه، سهل و آسان می‌گردید.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: موسسه نشر علم.
۲. امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۳). دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان ۱۳۸۳/۸/۵ در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. منشور فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۳. امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴). دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۸۴/۱۰/۲۹ در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. منشور فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۴. امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). شرحی بر بیانیه گام دوم انقلاب. چاپ اول، تهران: معاونت سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه

۵. تاملین، فردریک (۱۳۸۵). گزیده آثار توین‌بی. ترجمه: محمدحسین آریا، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۶. جمشیدی، محمدحسین. (مهرماه ۱۳۹۴). مبانی دینی تمدن از منظر اسلام. مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد.
۷. دورانت، ویل (۱۳۹۰). مشرق زمین گاهواره تمدن. ترجمه: احمد آرام، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۸). لغت‌نامه دهخدا. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۹. دهشیری محمدرضا. (۱۳۹۴). تمدن نوین اسلامی؛ بنیادها و چشم‌اندازها. مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد.
۱۰. زمانی، مصطفی (۱۳۴۸). اسلام و تمدن جدید. قم: انتشارات علمیه.
۱۱. سبحانی، محمدقاسم (۱۳۹۷). فرماندهی و مدیریت اسلامی. چاپ سوم، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز باقرالعلوم (علیه‌السلام).
۱۲. سلمانی‌کیاسری، محمد (۱۳۸۷). حکومت و رهبری از منظر نهج‌البلاغه. چاپ دوم، قم: انتشارات مسجد مقدّس جمکران.
۱۳. سیاهپوش، امیر (۱۳۹۵). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. برگرفته از بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به کوشش مرکز پژوهش‌های علوم انسانی صدرا، چاپ چهارم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۴. شریعتی، علی (۱۳۸۹). تاریخ تمدن. جلد اول، تهران: نشر قلم.
۱۵. طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۹). تمدن‌زایی شیعه. چاپ اول، اصفهان: بُالمیزان.
۱۶. عابدی‌درچه الف، محسن. (بمن ماه ۱۳۹۸). الگویابی دانشگاه اخلاقمدار در گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر حکمرانی علمی-اسلامی، مجموعه مقالات اولین همایش ملی گام دوم انقلاب اسلامی، رسالت دانشگاه‌ها، اصفهان، دانشگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع) (صص ۱۵-۳۳).
۱۷. عابدی‌درچه ب، محسن. (خرداد ۱۳۹۸). تبیین مؤلفه‌های الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی-ایرانی پیشرفت در نهادینگی تمدن نوین اسلامی. مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، الگوی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (صص ۱۱۵-۱۳۰). تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. قاضی‌زاده، سید ضیاءالدین (۱۳۸۸). ویژگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی در سازمان‌های نظامی. فصلنامه راهبرد دفاعی، ۲۴.
۱۹. کلانتری، عبدالحسین؛ حسن، ناصرخاکی و نجمه، نجم (۱۳۹۲). نظام معنایی گفتمان «اسلام‌سازی علم». دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، ۲ (۴): ۲۹-۵۹.
۲۰. لوکاس، هنری (۱۳۶۶). تاریخ تمدن. ترجمه: عبدالحسین آذرننگ، تهران: کیهان.

۲۱. مجیرشیبانی، نظام‌الدین (۱۳۳۷). تاریخ تمدن از آغاز آفرینش تا تمدن مادی. تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۵). مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. دو فصلنامه علمی- پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۴ (۴)، ۳۰-۱۰.
۲۳. مصباحی‌مقدم، غلامرضا. (دی‌ماه ۱۳۸۹). گامی به‌سوی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۲۲۱-۲۲۵.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: انتشارات صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). فلسفه‌ی تاریخ. جلد اول، تهران: انتشارات صدرا.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). کلیات علوم اسلامی. جلد اول، منطق- فلسفه. چاپ سی و سوم، قم: انتشارات صدرا
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر حکومت اسلامی. چاپ اول، تهران: انتشارات صدرا.
۲۸. معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
۲۹. میرمعزی، سید حسین. (دی‌ماه ۱۳۸۹). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، محصول اسلامی‌سازی علوم انسانی. نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۶۱-۷۵.
۳۰. وکیلی، سعید (۱۳۹۲). هندسه‌ی طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت دفاعی. مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت، (صص ۱۱۳۶-۱۱۲۵). تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۳۱. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۴). نظریه برخورد تمدن‌ها. ترجمه: مجتبی امیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.